اعوذ بالله من الشيطن الرجيم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۱)

اژدها (۲)

اگرچه فلسفه بودا به آزار نرساندن به حیوانات و جانداران تاکید زیادی میکند و این یکی از اصول بدیهی آنان است؛ ولی چینی ها بعضی از حیوانات و جانداران را زنده زنده در آتش یا در تابه داغ سرخ میکنند و می خورند. به این طریق آنچه را که عقیده دینی شان است را عمل نمی کنند و حتی برعکس آن عمل میکنند. انگار برعکس عقیده بنیادی عمل کردن لذت خاصی دارد که مردم جذب آن میشوند. مردم اینها را آزادی می نامند. وقتی در یک آئینی گفته شده است که نباید به هیچ موجود زنده ای آسیب برسانید؛ اما یکی از پیروان این حریم را دور می زند. او دور زدن این حریم را آزادی می نامد. به این طریق مفهوم غلطی از آزادی بین مردم جا افتاده است. خدا گوشت خوک (گراز) را حرام کرده است؛ یکی بود که گراز را

شکار میکرد و گوشت آن را میخورد و به این کار خود افتخار هم میکرد، طوریکه انگار از یک قید و بند آزاد شده است.

این اعمال ضد محیط زیستی ما را یاد قوم ثمود می اندازد. اینکه بعضیها برخلاف آموزه های دینی خود عمل می کنند، چیز عجیبی نیست و همیشه اینطوری بوده است. این روش همان طاغیه است که قوم ثمود دچارش شدند. چیزی که آدمی آن را می بیند و می داند و استفاده میکند ولی در مورد آن زیاده روی می کند، همان طغیان است. طغیان نقطه ضعف آدمیان است و این طغیان میتواند حتی آدمی را از بین هم ببرد. طغیان آزمایش هم هست.

وسوسه شیطان ملعون از تفکرات صحیح، افراط و تفریط می سازد و آن را از حالت تعادل خارج می سازد. آرام بودن، اذیت نکردن، آزار نرساندن حتی به مورچه، از نظرات پیامبر صالح بوده است؛ ولی بعدا مردم آن را طور دیگری تعبیر و تاویل کردند. آنها انرژی خود را کاهش دادند و مفاهیمی مثل مدیتیشن را اختراع کردند. آنها مدیتیشن را اختراع کردند تا اصلا در چنین آزمایشهایی قرار نگیرند. آنها به جای روبرو شدن با زندگی واقعی، از صحنه فرار کردند. حتی این نوع فرار باعث شد که مردم بجای قبول مرگ، به یک تناسخ چرخه ای معتقد شدند.

آنها فرصت های اضافی و خیالی برای خود متصور شدند و تناسخ را اختراع کردند. خدای رحمان ناقه ای را جلو چشمان آنان قرار داد تا هر روز ببینش و حریم او را رعایت کنند؛ تا که بلکه وجدانشان بیدار شود و آگاهانه دست از طغیان بکشند. در واقع این روش بود که موثر بود. اصلا پیام پیامبر صالح همین بود که مردم می بایست از طغیان درونی به تقوا برسند. طغیان یعنی زیاده روی و از حد و مرز عبور کردن ، اما تقوا یعنی دوری کردن از چنین حالتی.

رعایت کردن حریم ناقه = رعایت کردن حریم محیط زیست = کنترل طغیان درونی = رسیدن به آرامش درونی

در قسمت قبل ثابت شد که کلمه ناقه یک کلمه عربی نیست و بلکه یک کلمه سانسکریتی است (naga) به معنای اژدها. تابحال کسی در جهان پی نبرده بود که ناقه شتر نبوده است و بلکه یک اژدها بوده است. کسی هم حتی به مخیله اش خطور نکرده است که صالح پیامبر هندوان بوده است. خدای رحمان هر چیزی را در زمان خودش جاری میکند. این مطلب برای اولین بار در مقالات جادوی شیاطین مطرح میشود.

این مطلب میتواند درس بزرگی به بشریت بدهد و حتی میتوان این کلمه را به عنوان واحد شمارش حیوانات وحش هم استفاده کرد. بشر اعتقادی به

رعایت حقوق محیط زیست ندارد. آیه قرآنی (اذ الوحوش حشرت = آنگاه که حیوانات وحش همگی جمع میشوند) **در سوره تکویر نشان از این دارد که در آخرالزمانها ، هیچ توجهی به محیط زیست نمیشود و این یکی از نشانه های آخر الزمان هر امتی است. قوم ثمود آخر الزمان خود را همزمان با کشتن ناقه رقم زدند. این برای امتهای دیگر شبیه ثمود هم اتفاق می افتد. اما خدای رحمان سه روز (سه دوره، سه مرحله) به آنها مهلت میدهد و در این سه دوره ظاهرا خوشند.**

فَعَقَرُوهَا فَقَال تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُم ثَلاَثَة أَيَّام ذَلِك وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوب (هود: ۶۵)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: « (مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند گردید (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید) این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود!»

قوم صالح به نقطه ای رسیدند که توانایی روحی روانی تحمل یک اژدها را نداشتند. خدای رحمان با ذکر قضیه سقای ناقه و تقسیم آب میخواهند به ما بفهمانند که حیات وحش و محیط زیست را رعایت کنید و منابع آب و مراتع و سایر منابع را به صورت پنجاه ـ پنجاه تقسیم کنید و به حد و حدود

و حریم محیط زیست تجاوز نکنید؛ که این نوع تجاوز نشان از طغیان صفات مخرب درون انسانها دارد.

چندین نتیجه مهم می توان از این داستان قرآنی گرفت:

۱- پنجاه درصد منابع طبیعی را باید استفاده کرد و بقیه را به حال خود واگذارید و انسان در این زمینه باید جلو طمع و زیاده خواهی های خود را بگیرد، که اگر نگیرد همان محیط زیست نامتعادل میشود و او را از بین می برد و در قالب زلزله و تغییرات آب وهوایی مضر به خودش بر می گردد. اگر انسان جلو طغیان خود نسبت به طبیعت را نگیرد، آنگاه طبیعت طغیان میکند. در این طغیان ممکن است که انسان آسیب ببیند.

۲- با کنترل زیاده خواهی خود نسبت به طبیعت و محیط پیرامون خود، عملا نفس سرکش را کنترل و طغیان آن را می گیریم. این روش راحت و جالبی است. مثل یک آچار همه فن حریف است که هر نوع مشکلات نفسی را حل میکند. رستگاری در مصون ماندن از هواهای نفس است.

فَاتَّقُوا اللهَ مَا اسْتَطَعْتُم وَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيراً لِأَنْفُسِكُم وَ مَنْ يُوق شُح نَفْسِه فَأُولَئِك هُم الْمُفْلِحُون (تغابن: ۱۶)

پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند!

۳- استفاده حداکثری از منابع که بیشتر مشکلات بشریت از همین نوع است. قضیه اژدهای صالح به ما ثابت کرد که نباید منابع طبیعی را بطور کامل استفاده کرد و بلکه باید ۵۰ درصد آن را حفظ کرد.

۴- موجودات و حتی انسانهای دیگر حریمهایی دارند که نباید به آن تجاوز شود که یکی از راههای کنترل نفس اماره، همین رعایتهای حد و حدود و حریم دیگران و دیگر موجودات است. به این طریق رعایت بیرونی منجر به کنترل درونی می شود. رعایت بیرونی مثل پوست برای بطن و درون ما عمل میکند و حالت محافظتی برای درون و نفس ما دارد.

۵- خدای بزرگ می خواهند که ما با رعایت حریم سایرین، درون خود را از شر حفظ کنیم. این پیام صالح بود. اما بعد از قرنها، این پیام صالح منحرف شد و عده ای آمدند و گفتند که نیازی به رعایت بیرونی نیست و بلکه ما از طریق مدیتیشن و خلسگی، از درون، خود را کنترل می کنیم. به این طریق پیام پیامبر صالح عملا منحرف و کج فهمی شد. البته پیام تمام پیامبران دیگر

هم در طول زمان منحرف شده است. مسیحیان اکنون به عیسی مسیح میگویند خدا. انحرافی که حتی روحانیون مسیحی در آن شک ندارند.

۶- داستانی بوده که یک نفر یک سیب از باغی بدون اجازه صاحب باغ برداشت. او مدتها دنبال صاحب باغ می گشت تا حلالیت بطلبد، زیرا او می خواست با یک رفتار بیرونی، از درون خویش محافظت کند. او با حفاظت از حریم دیگران، میخواست حریمی برای نفس اماره خود بسازد و آن را کنترل کند و به این طریق زیاده خواهی خود را هم کنترل می کرد.

۷- ما درون خود را نمی بینیم، پس طبیعی است که مقدار طغیان و زیاده خواهی های نفس خویش را هم تشخیص ندهیم. پس به یک اعمال بیرونی نیازمندیم تا بوسیله رعایت آنها نفس خویش را کنترل کنیم. این افسار بیرونی همان رعایت حریم سایر موجودات و سایر انسانها است.

این نکته که پیامبر صالح گفته است؛ دقیقا بر خلاف آن چیزی است که مرتاضها می گویند. آنها می خواهند که با قطع ارتباط با دنیای بیرون، انرژی های خود را پایین آورند و به این طریق خود را به حالت ناآگاهی می رسانند. آنها از رعایت آگاهانه این حریمها دوری می کنند و به سمت رعایت ناآگاهانه می روند. این یک نوع بی تفاوتی و بی معنویتی است که عملا در رشد نفس بی تاثیر است. مشکل بزرگی که این روش ایجاد می کند، این است که آنها برای کنترل طغیان درونی خود باید برای همیشه در

این حالت بمانند و همان حالت خلسگی را ادامه دهند. این است که مرتاضی به شغل آنان تبدیل میشود.

۸- هر کس که صفات بدی دارد مثل خشم و عصبانیت؛ می تواند با کنترل این صفات بد، خودبخود به آرامش درونی هم برسد و از طغیان درونی خود دوری کند. نقطه طغیان هرکسی، صفات ناپسند اوست. بنابراین رعایت حریم دیگر موجودات و دیگر انسانها از نظر پندار، کردار ، گفتار میتواند در کنترل طغیان و آتش درونی موثر باشد.

رعایت حریم سایرین و سایر موجودات از نظر پنداری، کرداری، گفتاری

۹- داستان ناقه به ما می آموزد که در زندگی شخصی دیگران سرک نکشید و به حریم خصوصی آنان تجاوز نکنید و در رویه زندگی محیط زیست دخالت نکنید.

۱۰- هر کس موقعیتهایی که در آنها بتواند به خیر و کنترل نفسش برسد به او داده شده است؛ کافی است آنها را رعایت کند. کارها و امورات خیر و پیشرفت معنوی انسانها همگی ساده سازی شده اند. خدا از هر انسانی به اندازه توانایی های او انتظار دارد.

۱۱- تو اگر نتوانی حریم همسایه و موجودات زنده دور و بر خود را رعایت کنید، نمی توانید به دیگران هم کمک کنید. انسانها از معنویتهایی که دَمِ دستشان است فرار میکنند و به چیزهای بی ربط می پردازند و این یک مدیتیشن است. مدیتیشن میخواهد موقعیت های مناسب و مخصوص تو را خراب کند و تو را به موقعیتهای نامناسب که مخصوص تو نیست بفرستد.

۱۲- حتی به حریم مشرکین و دشمنان هم نباید تجاوز کرد و باید حریم ها و حدود آنها را رعایت کرد. مثل یهودیها نباشید که ربا گرفتن و مال غیر یهودی خوردن را مجاز میدارند.

وَ إِن أَحَدٌ مِن الْمُشْرِكِين اسْتَجَارَك فَأَجِرْه حَتَّي يَسْمَع كَلاَم الله ثُم أَبْلِغْه مَأْمَنَه ذَلِك بِأَنَّهُم قَوْم لاَ يَعْلَمُون (توبه: ۶)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!

۱۳- ناقه نماد باروری بوده است. امتهایی که این را رعایت نمی کنند خود بخود از باروری هم می افتند و نسلشان نابود می شود. مثل قوم ثمود که نابود شدند. در حالی که مردم دنبال دلایل عدم بچه دار شدن خود می

گردند و دلایل دیگری را بیان میدارند. طغیانهای کنترل نشده درونی باعث از بین رفتن یک نسل میشود.

۱۴- خدای رحمان فرموده است دورباد ثمود (بُعْدَاً لِثَمُودَ).

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلاَ إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُم أَلاَ بُعْدَاً لِثَمُودَ (هود: ۶۸)

آن چنان که گويي هرگز ساكن آن ديار نبودند! بدانيد قوم ثمود، پروردگارشان را انكار كردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)!

یعنی از راه و روش ثمود دور شوید و دور باشید. وقتی با ثمود انس بگیرید، مثل آنها می شوید. نظام رحمانی این چنین سیستمی را نمی خواهد و قبولش ندارد و آن را رجم میکند. یعنی از گروههایی که حریم محیط زیست و حریم دیگر انسانها را رعایت نمی کنند، دور باشید؛ که اگر دور نباشید، در جرم آنها شریکید.

۱۵- نظام رحمانی بطور صحیح کارش را انجام میدهد، کافی است که به آن اعتماد کنید. شما از یک ماشین حساب با اعتماد کامل استفاده می کنید و به آن اعتماد دارید؛ در حالی که نظام رحمانی ساخت خدای رحمان است و

بسیار دقیق است. نظام رحمانی پیشرفته تر و دقیق تر و همه جانبه تر از وسائل ساخت دست بشر است.

۱۶- قوم ثمود ناقه را عقر کردند (ریشه کن کردند). ناقه نماد محیط زیست است. ثابت شده است که اگر به مدت سه سال زنبور عسل نباشد، محیط زیست از بین می رود. گیاهان و گلها به واسطه گرده افشانی زنبور عسل تکثیر می شوند. اختلال در سیستم زنبور، باعث از بین رفتن عوامل شفای طبیعی در گیاهان و گلها خواهد شد. هر گونه مداخله در نظام طبیعی برای کسب سود بیشتر، به معنای عقر و ریشه کنی محیط زیست است.

۱۷- اگر طغیان خود را کنترل کنید، خود بخود محیط زیست و بارندگی محیط هم درست می شود. خدا به این نوع معنویت ها خیلی سریع جواب می دهند، زیرا او سریع الحساب است. خدا خیلی سریع نتایج را جاری و ساری میکند. اگر در محیط زیست، دود و سایر آلودگی ها کم شود، خودبخود بارندگی ها هم زیادتر میشود. خدا سریع الحساب است و سریع جواب رعایت حریمها را میدهد و پاداش آن را سریع اجرا میکند.

۱۸- در سوره شمس قبل از ذکر قوم ثمود، از نفس و الهام به آن صحبت می فرماید.

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (شمس: ۸)

سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، (۸)

فجور و تقوا همان بایدها و نباید ها، شایست ها و نشایست ها، شرّ و خیر هر کسی است که با رعایت آنها، جلو طغیان نفس خود را می گیرد و مهمتر از همه، جلو طغیان طبیعت و محیط زیست خود را هم می گیرد. بنده واقعی بجایی می رسد که دیگر نظام رحمانی برایش اذیت نیست و بلکه برایش رحمت است. هیچ کجای قرآن، کلمه عذاب با رحم نیامده است، بجز یک آیه. در یکی از آیات کلمه رحمان همراه با عذاب آمده است. طبق این آیه، اگر انسان مطابق و موافق نظام رحمانی عمل نکند، از همان سیستم رحمانی آسیب می بیند. این همان طغیان طبیعت و نظام رحمانی است.

يَا أَبَت إِنِّي أَخَاف أَنْ يَمَسَّك عَذَاب مِن الرَّحْمَن فَتَكُون لِلشَّيْطَان وَلِيًّاً (مریم: ۴۵)

ای پدر! من از این می‌ترسم که از سوی خدای رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!

۱۹- طبق داستان ناقه فهمیدیم که انسان نباید خدا را آزمایش کند. قوم ثمود ابتدا خودشان از خدا خواستنند که یک اژدها از کوه بیرون آید. اما

بعدا تحمل همانی که خودشان درخواست کرده بودند را نداشتند. وقتی انسان نشانه ای از خدا دریافت کرد، باید مسئولیتش را هم قبول کند. بهتر است که آدمی خدا را آزمایش نکند. اما بعد از انتخاب آزمایش، آدمی باید یک تغییر پنجاه درصدی در زندگی خویش بدهد و گرنه علیه خدا و نشانه او قیام خواهد کرد. همانطور که قوم ثمود می بایست آب را بین خود و ناقه تقسیم می کردند. طغیان نفس انسان در این گونه موارد آشکار می شود و اگر کنترل نشود، خانه ویران کن است.

وقتی از خدا باران میخواهید، باید در عوض از نصف آن بگذرید و آن را برای سقیای محیط زیست خود باقی بگذارید. این نوع دل کندن، مبارزه علیه طغیان درونی است و به این طریق آرامش هم حاصل می شود. این همان معنویت واقعی است که بشر باید آن را انجام دهد. کسانی که در قوم ثمود، اژدها را کشتند خدا را قبول داشتند وحتی به نام او هم قسم میخوردند. بنابراین قوم ثمود خدا را قبول داشتند و آدمهای مذهبی ای بودند. طغیان علیه محیط زیست و نظام رحمانی، یک انحراف درونی است که ربطی به مذهب و دین شناسنامه ای ندارد و بیشتر آدمیان مذهبی و غیرمذهبی گرفتار آن میشوند.

۲۰- هندوها از عبارت ناقه الله (اژدهای خدا) سوء استفاده کرده و به مرور زمان اژدها را به الهه تبدیل کردند. اما خدای بزرگ در قرآن در همان آیه

با آوردن ارض الله که هم وزن ناقه الله است، شک و شبهه ها را برطرف کرده است.

وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللهِ وَ لاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (هود: ۶۴)

ای قوم من! این «ناقه» خداست، که برای شما نشانه‌ای است بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود هیچ‌گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!»

خدا زمین را همانند ناقه، با اسم مبارک الله ذکر فرموده است. زیرا زمین هم طبق برنامه خدا عمل می کند و طبق برنامه ریزی خدا خلق شده است و هدفش محقق شدن اهداف خدای رب العالمین است. تمام موجودات دیگر داخل کره زمین هم برای ساکنان آن، حکم ناقه را دارند.

رعایت حریم سایر موجودات و سایر انسانها و محیط زیست، ناقه هایی هستند که ما بوسیله رعایت آن حریم، میتوانیم طغیانهای درونی خود را کنترل کنیم. حتی وقتی انسان بیمار می شود، تحت یک آزمایش ایمان شناسی قرار می گیرد. آیا فرد می ترسد که روشهای رحمانی را بکار گیرد؟ آیا فرد وارد حریم روشهای غلط شده است؟ این سوالات و شک و تردیدها

سطح استرس فرد را بالا می برند. استرس حالت روانی خاصی است که فرد خودش را گناهکار میداند و این موضعگیری او را بلاتکلیف میکند و در نتیجه سیستم ایمنی بدن او را ضعیف می کند. ضعف سیستم ایمنی بدن از بلاتکلیفی درونی ناشی می شود. مثلا وقتی انسان دروغ می گوید، رفتار اجتماعی او مثل چوپان دروغگو مملو از بی اعتمادی میشود و احساس سنگینی ، بی مسئولیتی در رفتارهای او درست می شود که باید با توبه و بازگشت، این احساس سنگین را زمین بگذارد و گرنه پشت او را خم میکند.